

ذخایر ارزی؛ اولویت با سفره مردم و تداوم تولید داخلی

فتح‌الله توسلی، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در شرایطی که دسترسی به منابع ارزی با محدودیت مواجه است، مسئله اصلی فقط میزان ارز موجود نیست؛ بلکه نحوه مصرف آن اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. منابع ارزی هر کشور محدود است و زمانی که امکان افزایش سریع درآمدهای ارزی وجود ندارد، تصمیم‌گیری درباره محل مصرف این منابع می‌تواند مستقیماً بر قیمت کالاها، تولید و معیشت خانوارها اثر بگذارد.

در چنین وضعیتی، اختصاص منابع ارزی به کالاهای اساسی باید در اولویت قرار گیرد. مواد غذایی، دارو و دیگر کالاهای ضروری مستقیماً با زندگی روزمره مردم ارتباط دارند و هرگونه اختلال در تأمین آنها می‌تواند به کاهش عرضه و افزایش قیمت منجر شود. بنابراین مدیریت ذخایر ارزی صرفاً یک موضوع حسابداری یا بانکی نیست؛ بلکه بخشی از سیاست حمایت از قدرت خرید خانوارهاست.

البته حفظ ارز برای نیازهای ضروری به معنای نادیده گرفتن تولید داخلی نیست. برعکس، یکی از راه‌های کاهش فشار بر ذخایر ارزی، تقویت توان تولید داخل است. هر کالایی که امکان تولید اقتصادی و باکیفیت آن در کشور وجود دارد، می‌تواند بخشی از نیاز بازار را بدون مصرف منابع ارزی تأمین کند. اما این موضوع زمانی عملی است که تولیدکننده داخلی بتواند به مواد اولیه، سرمایه در گردش، انرژی و زیرساخت مورد نیاز خود دسترسی داشته باشد.

در این میان، سیاست واردات باید از یک نگاه صفر و صدی فاصله بگیرد. نه می‌توان تمام نیاز بازار را به واردات وابسته کرد و نه می‌توان بدون توجه به ظرفیت تولید و کیفیت، واردات را به صورت کلی کنار گذاشت. معیار اصلی باید این باشد که منابع ارزی در جایی مصرف شوند که بیشترین ضرورت اقتصادی و اجتماعی را دارند و در عین حال، واردات به شکلی مدیریت شود که تولیدکننده داخلی فرصت حفظ و توسعه بازار خود را داشته باشد.

بانک مرکزی نیز در این ساختار، نقش مهمی در اولویت‌بندی و مدیریت منابع ارزی دارد. تصمیم‌های ارزی باید بر اساس نیازهای واقعی اقتصاد، میزان دسترسی به منابع و آثار احتمالی آن بر قیمت‌ها اتخاذ شود. تخصیص ارز بدون توجه به پیامدهای آن می‌تواند منابع محدودی را مصرف کند، بدون آنکه اثر مناسبی بر تولید یا رفاه خانوارها داشته باشد.

از سوی دیگر، کاهش درآمدهای ارزی باید سیاست‌گذاران را به سمت کاهش وابستگی اقتصاد به ارز سوق دهد. توسعه زنجیره‌های تولید داخلی، افزایش بهره‌وری و حمایت هدفمند از صنایعی که امکان تأمین نیاز بازار را دارند، در بلندمدت فشار بر منابع ارزی را کاهش می‌دهد.

در نهایت، مدیریت ارز باید میان سه ضرورت تعادل برقرار کند: حفظ کالاهای اساسی، جلوگیری از فشار بیشتر بر قیمت‌ها و تقویت تولید داخلی. منابع ارزی محدودند و هر تصمیم درباره مصرف آنها باید با توجه به هزینه فرصت و آثار آن بر اقتصاد و زندگی مردم اتخاذ شود. حفظ ذخایر برای نیازهای حیاتی، در کنار تقویت ظرفیت تولید داخلی، می‌تواند مسیر کم‌هزینه‌تری برای عبور از تنگنای ارزی ایجاد کند.

خبر

همتی: با کنترل نقدینگی و اختیارات قانونی، بازار ارز مدیریت می‌شود

رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به کاهش رشد نقدینگی به ۵۱۶ درصد، بر عزم این نهاد برای مدیریت بازار ارز و خنثی‌سازی جنگ اقتصادی دشمن تأکید کرد.

عبدالنصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، با اشاره به اقدامات این نهاد در کنترل پایه پولی و مدیریت خلق نقدینگی توسط بانک‌ها، اعلام کرد که رشد نقطه به نقطه نقدینگی از ۵۴.۴ درصد در مرداد ماه، به ۵۱۶ درصد در پایان شهریورماه کاهش یافته است. همتی با تأکید بر اینکه دشمنان در جنگ اقتصادی امیدوار بودند با تشدید رشد نقدینگی و تداوم تورم، انتظارات اقتصادی را در کشور افزایش دهند، اظهار داشت که آن‌ها به اهداف خود نخواهند رسید. وی افزود: بانک مرکزی در هماهنگی با دستگاه‌های ذی‌ربط، با هدف تقویت رشد اقتصادی، در تلاش است تا ضمن استمرار کنترل رشد نقدینگی، کارایی تسهیلات بانکی را ارتقا داده و بهره‌گیری از ابزارهای نوین تأمین مالی زنجیره‌ای را گسترش دهد. رئیس کل بانک مرکزی در بخش دیگری از اظهارات خود پیروزم سیاست‌های ارزی، با بیان اینکه دشمنان پس از ناکامی در مواجهه نظامی، اکنون فاز جنگ اقتصادی را با هدف قرار دادن بخش مالی و بازار ارز در پیش گرفته‌اند، تصریح کرد: بانک مرکزی بر اساس اختیارات قانونی خود، برای مدیریت و ساماندهی بازار ارز هر اقدامی که ضروری باشد را قاطعانه انجام خواهد داد.

خبر

نوسان قیمت‌ها در بازار جهانی انرژی؛ صعود سبب نفتی اوپک

در تازه‌ترین تحولات بازار جهانی انرژی، قیمت اکثر شاخص‌های نفتی با کاهش همراه بود، اما سبد نفتی اوپک و نفت «موربان» روند صعودی ثبت کردند. قیمت انواع حامل‌های انرژی در معاملات اخیر شاهد تغییرات متفاوتی بود که در این میان، شاخص‌های اصلی نفت خام عمدتاً با فشار فروش مواجه شدند. طبق این گزارش، قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمدیت (WTI) با افت ۱.۵۱ درصدی به سطح ۸۹.۷۳ دلار رسید که کاهش ۱.۲۸ دلاری را نشان می‌دهد. شاخص نفت خام برنت نیز از این روند نزولی مستثنی نبود و با ۱.۰۳ درصد کاهش، قیمت ۱۰۱.۲ دلار را ثبت کرد. همچنین نفت «WTI میلدن» با کاهش قابل‌توجه ۲.۲۴ درصدی، به قیمت ۹۱.۸۴ دلار معامله شد.

در مقابل، نفت خام «موربان» با ثبت رشد ۱.۳۰ درصدی، به قیمت ۱۱۰.۸ دلار رسید و سبد نفتی اوپک نیز با افزایش ۱.۴۲ درصدی، روی نرخ ۱۰۸.۸ دلار ایستاد. در حوزه انرژی‌های دیگر، بازار گاز طبیعی با افت جزئی ۰.۳۰ درصدی به قیمت ۳.۲۶ دلار رسید. پهای بنزین نیز با کاهش ۰.۵۵ درصدی، نرخ ۳۳.۰۱ دلار را تجربه کرد. در سوی دیگر، بازار نفت گرمایشی شاهد حرکت برخلاف جریان کلی بازار بود و با رشدی ۰.۲۶ درصدی، به قیمت ۴.۵۱۳ دلار دست یافت. این تغییرات در بازارهای جهانی انرژی نشان‌دهنده تداوم نوسانات قیمتی در بازارهای کالایی است که می‌تواند بر تصمیمات آتی در حوزه انرژی اثرگذار باشد



پول ملی زمانی ضعیف می‌شود که مردم دیگر نتوانند با آن برای آینده برنامه‌ریزی کنند. مسئله از جایی جدی می‌شود که حقوق امروز، هزینه فردا را پوشش نمی‌دهد؛ پس‌انداز چند ماه قبل، بخشی از قدرت خرید خود را از دست داده و قیمت کالا و خدمات با سرعتی حرکت می‌کند که درآمدها توان همراهی با آن را ندارند. در چنین اقتصادی، کاهش ارزش ریال فقط یک اتفاق در بازار ارز نیست؛ آرام‌آرام وارد تصمیم‌های روزمره مردم می‌شود و رفتار اقتصادی خانوارها را تغییر می‌دهد. مردم زودتر خرید می‌کنند، کمتر پس‌انداز می‌کنند، سرمایه‌های کوچک خود را به دارایی‌های دیگر تبدیل می‌کنند و برای آینده‌ای که هر روز گران‌تر می‌شود، ناچارند محافظه‌کارانه‌تر تصمیم بگیرند.

ریال در اقتصاد فقط واحد پول نیست؛ واحد سنجش زندگی اقتصادی مردم است. حقوق با ریال پرداخت می‌شود، اجاره خانه با ریال تعیین می‌شود، هزینه تحصیل و درمان و حمل‌ونقل با ریال افزایش پیدا می‌کند و پس‌انداز خانوار نیز در نهایت در قالب ریال یا دارایی‌هایی که با ریال خریداری شده‌اند، معنا پیدا می‌کند. بنابراین وقتی ارزش پول ملی کاهش پیدا می‌کند، اثر آن از بازار ارز بسیار فراتر می‌رود. یک کارمند ممکن است همان حقوق ماهانه را دریافت کند، اما اگر هزینه‌های زندگی سریع‌تر افزایش یافته باشد، درآمد واقعی او کاهش پیدا کرده است. به زبان ساده، عدد حقوق ثابت مانده یا حتی بیشتر شده، اما چیزی که با آن می‌توان خرید، کمتر شده است.

مشکل اصلی زمانی شکل می‌گیرد که کاهش ارزش پول از یک اتفاق مقطعی به یک انتظار دائمی تبدیل شود. در این شرایط، مردم فقط قیمت امروز را نگاه نمی‌کنند؛ قیمت فردا را هم در تصمیم‌های امروز خود وارد می‌کنند. فروشنده نگران هزینه جایگزینی کالا است، تولیدکننده از افزایش قیمت مواد اولیه می‌ترسد، مستاجر نگران تمدید قرارداد است و خانوار به این فکر می‌کند که آیا خرید امروز بهتر از خرید ماه آینده نیست. همین انتظارات می‌تواند به افزایش تقاضا برای کالا و دارایی و در نتیجه فشار بیشتر بر قیمت‌ها منجر پیدا اقتصاد در چنین وضعیتی فقط با تورم واقعی مواجه نیست؛ با تورمی هم مواجه است که مردم انتظار وقوع آن را دارند.

یکی از پیامدهای مهم تضعیف ریال، تغییر نگاه مردم به پس‌انداز است. در یک اقتصاد باثبات، خانواده بخشی از درآمد خود را کنار می‌گذارد تا برای آینده آماده باشند؛ اما وقتی ارزش پول مرتب کاهش پیدا می‌کند، پس‌انداز ریالی برای خانوار به معنای نگه داشتن پولی است که ممکن است ماه آینده قدرت خرید کمتری داشته باشد. همین مسئله می‌تواند مردم را به سمت دارایی‌هایی مانند طلا، ارز، ملک یا سایر گزینه‌های سرمایه‌ای سوق دهد. این رفتار را نمی‌توان

جهان اقتصاد بررسی می‌کند؛ اقتصاد در انتظار چیست؟



ممکن است به سمت دارایی‌های کوتاه‌مدت‌تر حرکت کند؛ دارایی‌هایی که هدف اصلی آنها حفظ ارزش است نه ایجاد ظرفیت جدید اقتصادی. نتیجه چنین روندی برای اقتصاد خطرناک است، زیرا اقتصادی که سرمایه‌گذاری مولد کمتری داشته باشد، در آینده با تولید ضعیف‌تر و فشار قیمتی بیشتر روبه‌رو خواهد شد

اینجاست که مسئله ریال از محدوده وظایف بازار ارز خارج می‌شود و به سیاست اقتصادی گره می‌خورد. نمی‌توان انتظار داشت صرفاً با عرضه ارز، برخورد با بحران‌گران یا تلاش برای کنترل روانی بازار، ارزش پول ملی در بلندمدت تثبیت شود. بازار ارز معلول مجموعه‌ای از متغیرهاست؛ از وضعیت درآمدهای ارزی و تجارت خارجی گرفته تا تورم، کسری بودجه، رشد نقدینگی، ناترازی‌های بانکی، سرمایه‌گذاری و اعتماد عمومی به آینده اقتصاد. تا زمانی که این متغیرها در مسیر باثباتی قرار نگیرند، هر آرامش کوتاه‌مدت در بازار ارز می‌تواند شکننده باشد.

برای همین، سیاستگذار باید به جای تمرکز صرف بر «قیمت دلار»، روی «قدرت ریال» تمرکز کند. قدرت پول ملی زمانی برمی‌گردد که تورم مهار شود، تولید امکان برنامه‌ریزی داشته باشد، درآمدهای ارزی پایدارتر شود، سیاست‌های اقتصادی قابل پیش‌بینی باشند و مردم بداندن تصمیمی که امروز برای زندگی خود می‌گیرند، فردا با یک شوک اقتصادی بی‌اثر نخواهد شد. ثبات پولی با دستور ایجاد نمی‌شود؛ نتیجه مجموعه‌ای از سیاست‌های منظم و قابل اعتماد است که در طول زمان به مردم و فعالان اقتصادی اطمینان می‌دهد ارزش پول قرار نیست دائماً آب برد.

موضوع مهم دیگر، فاصله میان افزایش اسمی درآمد و افزایش واقعی قدرت خرید است. ممکن است حقوق و دستمزد هر سال افزایش پیدا کند، اما اگر قیمت کالاها و خدمات با سرعت بیشتری بالا برود، این افزایش روی کاغذ باقی می‌ماند. خانوار به جای اینکه با درآمد بیشتر، مصرف یا پس‌انداز بیشتری داشته باشد، صرفاً هزینه‌های گران‌ترش را تأمین می‌کند. در این وضعیت، افزایش حقوق بدون مهار تورم نمی‌تواند

صرفاً به علاقه مردم به بازارهای سفته‌بازانه نسبت داد؛ بخش مهمی از آن واکنش طبیعی خانوارهایی است که تلاش می‌کنند ارزش اندک دارایی خود را در برابر تورم حفظ کنند.

البته همین رفتار جمعی می‌تواند مشکل را پیچیده‌تر کند. وقتی تقاضا برای ارز و طلا افزایش پیدا می‌کند، قیمت این دارایی‌ها تحت فشار قرار می‌گیرد و رشد قیمت آنها دوباره انتظارات تورمی را بالا می‌برد. بعد از آن، بخشی از جامعه تصور می‌کند که نگه داشتن ریال پرریسک است و دوباره به دنبال دارایی جایگزین می‌رود. این چرخه اگر ادامه پیدا کند، فاصله میان پول ملی و دارایی‌های جایگزین را بیشتر می‌کند. بنابراین مسئله فقط این نیست که چرا مردم ارز یا طلا می‌خرند؛ سؤال مهم‌تر این است که چه شرایطی باعث شده نگهداری ریال برای بخشی از جامعه جذابیت خود را از دست بدهد.

در این میان، تولید نیز از تضعیف پول ملی در امان نمی‌ماند. بسیاری از تولیدکنندگان برای تهیه مواد اولیه، قطعات، تجهیزات یا ماشین‌آلات به واردات مستقیم یا غیرمستقیم وابسته‌اند. وقتی ارزش ریال کاهش پیدا می‌کند، هزینه جایگزینی افزایش می‌یابد و تولیدکننده ناچار است میان کاهش حاشیه سود، کاهش تولید یا افزایش قیمت یکی را انتخاب کند. اگر بنگاه قیمت را بالا برود، فشار آن در نهایت به مصرف‌کننده منتقل می‌شود و اگر تولید را کاهش دهد، نتیجه می‌تواند کاهش عرضه و تشدید مشکل قیمت‌ها باشد. بنابراین تضعیف پول ملی هم‌زمان می‌تواند قدرت خرید مصرف‌کننده و توان فعالیت تولیدکننده را تحت فشار قرار دهد.

از طرف دیگر، کاهش ارزش ریال می‌تواند سرمایه‌گذاری بلندمدت را دشوارتر کند. سرمایه‌گذار برای ساخت کارخانه، توسعه کسب‌وکار یا خرید تجهیزات نیاز به پیش‌بینی‌پذیری دارد. وقتی قیمت ارز، هزینه مواد اولیه و سطح عمومی قیمت‌ها مرتب تغییر می‌کند، محاسبه هزینه و بازده یک پروژه بسیار دشوار می‌شود. سرمایه‌ای که باید وارد بخش تولید شود،

نظارت بر سکوهای آنلاین طلا با «سامانه ناظر»؛ مقابله با خالی‌فروشی

نتیجه مسجمی برای تعیین قیمت‌ها در پلتفرم‌ها خواهیم رسید.

مصطفوی با اشاره به زیرساخت‌های نظارتی، خاطرنشان کرد که نظارت بر بازار طلا ضروری است و اکنون کارگروه مربوطه با حضور اصناف و دستگاه‌های مرتبط، نظارت خود را آغاز کرده است. وی همچنین به متقاضیان توصیه کرد که پیش از خرید، اعتبار پلتفرم‌ها را در سایت «اتحادیه کشوری کسب‌وکارهای مجازی» و سامانه «ایران‌بان اصناف» ارزیابی کنند. متقاضیان باید با کلیک روی نماد اعتماد الکترونیکی (نماد‌اع)، از رشته فعالیت مجاز پلتفرم اطمینان حاصل کنند.

وی «خالی‌فروشی» یا فروش طلا بیش از موجودی فیزیکی را مهم‌ترین چالش این حوزه دانست و تأکید کرد که در صورت خرید از سایت‌های دارای ای‌نماد، امکان ثبت شکایت و پیگیری تراکنش‌ها برای خریداران فراهم است. در نهایت، سامانه بانک مرکزی تدابیر لازم برای احراز هویت خریدار و فروشنده و اطمینان از وجود پشتوانه کافی برای معاملات را پیش‌بینی کرده است.

واکنش عجیب به عرضه آیفون قاچاق؛بامتخلفان چه بر خور دی شد؟

عرضه آیفون‌های قاچاق در بازار؛ صنف مربوطه از مردم خواست صبر کنند، اما از برخورد با متخلفان خبری نیست. در شرایطی که برخی آیفون‌های جدید به‌صورت غیررسمی و خارج از مسیر قانونی وارد بازار شده‌اند، فعالان صنف تلفن همراه به جای اعلام برخورد با عرضه‌کنندگان این کالاها، از مصرف‌کنندگان خواسته اند برای خرید و فعال‌سازی مدل‌های جدید صبر کنند. اخیراً توصیه‌هایی از سوی فعالان صنف تلفن همراه خطاب به شهروندان منتشر شده که بر اساس آن، مردم از خرید دستگاه از مبادی نامشخص و کانال‌های غیرمجاز خودداری کرده و تا بازگشایی رسمی رویه‌های تجاری و واردات قانونی مدل‌های جدید صبر کنند.

این توصیه در حالی مطرح شده که موضوع صرفاً به نحوه خرید مصرف‌کنندگان محدود است. این موضوع در حالی مطرح شده که موضوع اطلاع‌رسانی شفاف صورت گیرد.

میزان تعهدات فروشندهگان به صورت سیستمی رصد می‌شود.

وی درباره متولیان این طرح گفت: بانک مرکزی متولی اصلی سامانه است و اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی به عنوان ناظر اصلی عمل می‌کند. نظارت بر این کسب‌کارها در کارگروهی ذیل «ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز» با حضور ضابطین انتظامی از جمله پلیس فتا و پلیس امنیت صورت می‌گیرد. مصطفوی یادآور شد که عملیاتی شدن کامل این سامانه منوط به طی تشریفات فنی اتصال سکوها به سامانه ناظر است که از طریق ستاد مذکور قابل پیگیری است.

این مقام مسئول افزود: پس از تصویب مقررات، طلاهای موجود باید مطابق استانداردهای تعیین‌شده استانداردسازی شوند. سامانه ناظر که به سامانه جامع تجارت متصل است، اصالت فاکتورها را بررسی کرده و با اتصال به خزانه بانک مرکزی، تراکنش خریداران را پایش می‌کند. وی درباره قیمت‌گذاری نیز گفت: با رانندازی کامل سامانه و انعطاف‌پذیری سیستم، به

ضریب جینی خانوارهای ایرانی در سال ۱۴۰۴ به ۰٫۳۸۴۹ کاهش یافت

سال ۱۴۰۴—مناطق شهری؛ سهم بیست درصد کم‌هزینه‌ترین

و پرهزینه‌ترین جمعیت به ترتیب ۶٫۷۵ و ۴۵٫۱۸ درصد است. نسبت ده، بیست و چهل درصد پرهزینه‌ترین به ده، بیست و چهل درصد کم‌هزینه‌ترین جمعیت به ترتیب۱۰٫۹۳، ۶۶۹ و ۳٫۷۳ است. شاخص پالما ۱٫۶۵، شاخص تیل ۰٫۳۳۴ و شاخص اتکینسون ۰٫۲۰۱۷ است.

سال ۱۴۰۴—مناطق روستایی؛

سهم بیست درصد کم‌هزینه‌ترین و پرهزینه‌ترین جمعیت به ترتیب ۶۸۰ و ۴۲٫۴۵ درصد است . نسبت ده، بیست و چهل درصد پرهزینه‌ترین به ده، بیست و چهل درصد کم‌هزینه‌ترین جمعیت در مناطق روستایی به ترتیب ۰٫۱۴۴ و ۶٫۳۹ و ۳٫۵۹ است.

شاخص پالما ۱٫۵۱، شاخص تیل ۰٫۲۰۸ و شاخص اتکینسون ۰٫۱۸۹۳ است. در سال ۱۴۰۴ در مناطق شهری کمترین ضریب جینی در استان کرمان (۰٫۲۴۹۲) و بالاترین ضریب جینی در استان تهران (۰٫۴۰۲۱) مشاهده می‌شود.

همچنین در مناطق روستایی کمترین ضریب جینی مربوط به استان قزوین (۰٫۲۵۲۵) و بیشترین ضریب جینی مربوط به استان همدان (۰٫۳۷۸۶) است.

سهم بیست درصد کم‌هزینه‌ترین و پرهزینه‌ترین جمعیت به

ترتیب ۶۶٫۱۵ و ۴۶٫۱۸ درصد است.

یکی از شاخص‌های سنجش نابرابری درآمد جامعه، ضریب جینی است. ضریب جینی عددی است بین صفر و یک که در آن صفر به معنی توزیع کاملاً برابر درآمد یا ثروت و یک به معنای نابرابری مطلق در توزیع است.

در سال ۱۴۰۴ ضریب جینی خانوارهای کل کشور ۰٫۳۸۴۹ است که در مقایسه با سال قبل ۰٫۰۰۲۱ واحد کاهش نشان می‌دهد. ضریب جینی خانوارهای شهری کل کشور ۰٫۳۶۸۶ که نسبت به سال ۱۴۰۳، ۰٫۰۰۰۳ واحد کاهش و ضریب جینی خانوارهای روستایی کل کشور ۰٫۳۵۴۳ است که نسبت به سال قبل ۰٫۰۰۱۱ واحد افزایش را نشان می‌دهد.

سال ۱۴۰۴—کل کشور؛ سهم بیست درصد کم‌هزینه‌ترین و پرهزینه‌ترین جمعیت به ترتیب ۶۶٫۱۵ و ۴۶٫۱۸ درصد است.

نسبت ده، بیست و چهل درصد پرهزینه‌ترین به ده، بیست و چهل درصد کم‌هزینه‌ترین جمعیت در کل کشور به ترتیب ۱۲٫۸۲، ۷۵۱ و ۴۰۴ است. شاخص پالما به ۱٫۸۰ و شاخص تیل به ۰٫۲۵۰۸ رسیده است. همچنین شاخص اتکینسون ۰٫۲۲۱۲ است.

حمید بابایی - رئیس بیت اسناد و املاک شهرستان سلطانیه



ساره علانی
نویسنده و خبرنگار اقتصادی

فرض کنید در روستایی، زنان می‌توانند تولید کنند اما سرمایه کافی برای شروع کار ندارند. پاسخ معمول روشن است: وام بدهیم. حالا فرض کنید وام هم داده شد، اما محصول خریدار ندارد، تولیدکنندگان به بازار دسترسی ندارند، هزینه حمل‌ونقل بالاست و هر تولیدکننده ناچار است بیهوشی با مسئله فروش دست‌وپنج‌نرم کند. در اینجا کمبود پول واقعاً بخشی از مسئله بوده، اما تمام مسئله نبوده است. سرمایه وارد شده، اما رابطهای که باید آن را به تولید و سپس به ارزش تبدیل کند، شکل نگرفته است. تجربه صندوق‌های خرد زنان روستایی هم از این جهت قابل تأمل است. در برخی از این صندوق‌ها اعتبار با پس‌انداز، تصمیم‌گیری جمعی، ضمانت گروهی و سپس سازمان‌دهی تولید و بازاریابی پیوند می‌خورد. اهمیت چنین تجربه‌ای فقط در این نیست که به یک زن وام داده می‌شود؛ در این است که رابطه میان سرمایه، اعتماد، تولید و بازار تغییر می‌کند. مسئله‌ای که ابتدا «کمبود اعتبار» به نظر می‌رسید، با بازآرایی رابطه میان منابع موجود و نیاز واقعی، صورت دیگری پیدا می‌کند. بنابراین نوآوری اجتماعی لزوماً ساختن چیزی تازه نیست؛ طراحی رابطهای تازه میان نیاز، منابع و ارزش است. این گزاره، یک سوزناهم رایج را به چالش می‌کشد. نوآوری را اغلب با ایده تازه، فناوری تازه یا محصول تازه می‌گیریم، اما ایده فقط یک امکان است و فناوری فقط یک ابزار. نوآوری زمانی اتفاق می‌افتد که یک تغییر در دنیای واقعی، شیوه حل مسئله را بهتر کند. ممکن است این تغییر یک فناوری جدید باشد؛ اما ممکن است جابه‌جایی مسئولیت، مدل تازه تأمین مالی، شکل متفاوتی از همکاری یا حتی استفاده جدید از یک نهاد قدیمی باشد.

به همین دلیل، نوآوری اجتماعی را نمی‌توان صرفاً نسخه اجتماعی نوآوری فناوریانه دانست. در نوآوری فناوریانه، معمولاً امکان جدیدی در ابزار یا فناوری ایجاد می‌شود و سپس کاربردهای آن دنبال می‌شود. در نوآوری اجتماعی، مسئله معمولاً نقطه عزیمت



جهان اقتصاد تحلیل می‌کند:

نوآوری اجتماعی از منابع پراکنده تا خلق ارزش



در این مرحله، ارزیابی نیز نباید فقط به تولید یک عدد برای گزارش‌دهی محدود شود. عدم می‌تواند بگوید چه اتفاقی افتاده، اما همیشه نمی‌گوید چرا. اگر میزان اشتغال افزایش یافته، باید دانست آیا علت آن خود برنامه بوده یا هیزمانی با رونق بازار کار. اگر استفاده از یک خدمت افزایش یافته، باید فهمید کدام بخش طراحی باعث آن شده است. برای همین، ارزیابی کمی در بسیاری از پروژه‌ها باید با مشاهده، مصاحبه و شناخت فرایند اجرا همراه شود. هدف فقط اثبات موفقیت نیست؛ فهم سازوکار موفقیت است. یکی از نهادهای پژوهشی نیز در تجربه ارزیابی نوآوری‌های اجتماعی بر همین تمایز تأکید می‌کند: ارزیابی باید هم درباره اثر و هم درباره عواملی که توضیح می‌دهند چرا یک مداخله موفق یا ناموفق بوده، اطلاعات تولید کند. از اینجا مفهوم نوآوری‌پذیری وارد می‌شود. نوآوری‌پذیری به معنای کپی‌کردن مکانیکی نیست، اگر یک مدل در یک روستا موفق بوده، قرار نیست همه جزئیات آن را عیناً به روستای دیگری منتقل کنیم. بلکه باید بدانیم «هسته اثرگذار» آن مدل چیست و کدام اجزا باید با زمینه جدید سازگار شوند. برای مثال، ممکن است اصل موفقیت یک برنامه نه در نوع خاصی از وام، بلکه در ترکیب سه عنصر باشد: تصمیم‌گیری محلی، دسترسی به بازار و نظارت متقابل اعضا. در این صورت، اگر برنامه را به دیگر شهرهای بیریم، ممکن است

پراکنده است. دولت منابع و قدرت سیاست‌گذاری دارد؛ نگاه توان اجرایی، سرمایه و شبکه توزیع دارد؛ جامعه مدنی و نهادهای محلی به نیاز و اعتماد نزدیک‌ترند؛ دانشگاه نیز دانش و توان تحلیل دارد. مسئله همیشه فقدان این منابع نیست. مسئله این است که چه نهادهای می‌توانند هزینه اتصال آنها را کاهش دهد و رابطهای بسازد که از ترکیبشان ارزش جدیدی ایجاد شود. فرض کنید یک برنامه اشتغال در یک شهر کوچک نتیجه خوبی داده است. اشتغال افزایش یافته و رضایت مشارکت‌کنندگان هم بالاست. آیا می‌توان همان برنامه را به صد شهر دیگر برد؟ هنوز نمی‌دانیم. شاید موفقیت آن به یک مدیر خاص، شبکه اعتماد محلی، یک کارفرمای بزرگ، قیمت‌های همان منطقه یا حتی روابط غیررسمی میان چند نفر وابسته بوده باشد. آنچه دیدیم «نتیجه» است، نه «مدل». اینجاست که آزمایش، یادگیری و تکرارپذیری از حاشیه به متن نوآوری اجتماعی می‌آیند. آزمایش صرفاً کوچک‌کردن یک پروژه بزرگ نیست؛ راهی برای کشف این است که کدام فرض‌های ما درباره مسئله و راحل درست بوده‌اند. وقتی یک راحل اجتماعی را آزمایش می‌کنیم، در واقع چند سؤال را هیزمان می‌سنجیم: آیا مسئله را درست تشخیص دادیم؟ آیا افراد واقعاً با راحل استفاده می‌کنند؟ کدام جزء راحل بیشترین اثر را دارد؟ هزینه ایجاد این اثر چقدر است؟ چه پیامد ناخواسته‌ای ایجاد شده است؟ و مهم‌تر از همه، اگر شرایط تغییر کند، کدام بخش چن شکست به معنای بد اجرا کردن تلقی می‌شود. در یک فرایند نوآوری، شکست چون شکست می‌تواند اطلاعات تولید کند. اگر یک روش در مقیاس محدود جواب ندهد، هزینه اصلاح آن بسیار کمتر از زمانی است که همان روش با بودجه بزرگ تکرار می‌شود. اینجاست که آزمایش در این معنا نوعی بیمه در برابر خطای سیاست‌گذاری است. البته هر آزمایشی هم ارزش یادگیری ندارد. اگر از ابتدا ندانیم چه فرضی را می‌آزماییم و چه داده‌ای قرار است تصمیم‌گیری را تغییر دهد، «پایلوت» فقط نام محترمانه‌ای برای اجرای کوچک یک پروژه است. آزمایش زمانی معنا دارد که پیشاپیش روشن باشد چه چیزی را می‌خواهیم بفهمیم، موفقیت را چگونه تشخیص می‌دهیم و در صورت شکست چه چیزی را تغییر خواهیم داد.

است؛ چرا راحل‌های موجود با وجود منابع، سازمان‌ها و تجربه‌های متعدد، هنوز نتیجه مطلوب را ایجاد نکرده‌اند؟ پاسخ ممکن است در خود ابزار نباشد، بلکه در رابطه میان بازیگران باشد. فناوری در این میان می‌تواند بسیار مهم باشد، اما نمی‌تواند جای نهاد رابطه را بگیرد. یک سامانه دیجیتال ممکن است دسترسی را آسان کند، اما اگر قواعد تصمیم‌گیری نامتوازن باشد، فقط تبعیض را سریع‌تر می‌کند. داده‌های جایگزین می‌توانند دسترسی به اعتبار را افزایش دهند، اما بدون قواعد روشن درباره مالکیت داده، رضایت، خطا و امکان اعتراض، ممکن است شکل تازه‌ای از حذف ایجاد کنند. فناوری اب می‌تواند اندازه‌گیری و پایش را بهتر کند، اما مسئله اب را بدون حکمرانی، انگیزه‌های درست و مسئولیت‌پذیری حل نمی‌کند. مسئله اشتباه گرفتن فناوری با سازوکار حل مسئله است. یکی از مراحل نوآوری فهم مسئله پیش از طراحی راحل است. بسیاری از برنامه‌های اجتماعی از پاسخ شروع می‌کنند، نه از پرسش. بودجه‌ای در اختیار است و باید پروژه‌ای برای آن تعریف شود؛ نهادهای تخصصی وجود دارد و باید حوضه‌ای برای مداخله پیدا کنند؛ فناوری جدیدی در دسترس است و باید کاربرد اجتماعی برای آن یافت. نتیجه می‌تواند برنامه‌ای باشد که بسیار خوب اجرا می‌شود، اما مسئله‌ای را که واقعاً وجود دارد حل نمی‌کند. این اتفاق در اقتصاد به شکل آشنایی رخ می‌دهد. اگر ابزار سیاست‌گذار وام باشد، همه مشکلات شبیه کمبود اعتبار دیده می‌شوند. اگر ابزار آموزش باشد، مشکل به کمبود مهارت تبدیل می‌شود و اگر ابزار فناوری باشد، ناگهان همه چیز مسئله دسترسی دیجیتال است. در حالی که «بیماری جوانان» ممکن است بیش از آنکه مسئله مهارت باشد، مسئله اتصال مهارت به کارفرما، اطلاعات، شبکه ارتباطی و هزینه جست‌وجوی شغل باشد. «دسترسی به درمان» نیز ممکن است با ساختن درمانگاه بیشتر حل نشود، اگر مانع اصلی زمان، حمل‌ونقل، هزینه فرصت یا اعتماد باشد. بنابراین مشارکت ذی‌نفعان یک مرحله تشریفاتی پیش از اجرای پروژه نیست؛ بخشی از فرایند شناخت مسئله است. کسی که مسئله را زندگی می‌کند، اطلاعاتی در اختیار دارد که در گزارش‌های رسمی دیده نمی‌شود. این به معنای آن نیست که هر نظر محلی درست است یا تصمیم‌گیری باید به شعبه بی‌پایان سپرده شود. معنایش این است که طراحی راحل بدون این اطلاعات، هیچ طراحی بازار بدون شناخت خریدار است. به عبارتی بخش مهمی از ظرفیت حل مسئله در بازیگران مختلف

گام تازه رباط‌کریم برای کاهش ترافیک و توسعه فضاهای شهری

اتصال بلوار مصلی به کمربندی شهید سعادتمندی و فاز نخست بوستان اشکانیه شد



همزمان با اجرای طرح‌های توسعه‌ای در حوزه حمل‌ونقل و خدمات شهری، به پروژه مهم عمرانی و خدماتی رباط‌کریم شامل معبر اتصال بلوار مصلی به کمربندی شهید سعادتمندی و فاز نخست بوستان اشکانیه با حضور مسئولان شهرستانی و شهری به بهره‌برداری رسید.

حمید برزا سرپرست شهرداری رباط‌کریم، در آیین افتتاح این پروژه‌ها گفت: احداث معبر اتصال بلوار مصلی به کمربندی شهید سعادتمندی با هدف کاهش بار ترافیکی هسته مرکزی شهر، تسهیل عبور و مرور و بهبود دسترسی به شبکه معابر شهری انجام شده است. وی افزود: این معبر به طول ۳۷۰ متر و عرض ۴۵ متر، دارای دو لاین اصلی و یک لاین کندرو است و با برخورداری از ۱۱ پایه روشنایی، پیاده‌راه سلامت و حدود ۳ هزار مترمربع فضای سبز رفیو، نقش مؤثری در روان‌سازی تردد در معابر مرکزی شهر خواهد داشت.

به گفته برزا، برای اجرای این پروژه تاکنون حدود ۱۶۰۰ تن آسفالت مصرف شده و با بهره‌برداری از آن پیش‌بینی می‌شود بار ترافیکی خیابان‌های شهید کمالی، بخش‌داری، بلوار مصلی و برخی معابر مرکزی کاهش یابد.

بوستان اشکانیه؛ توسعه زیرساخت‌های تفریحی و ورزشی همزمان با افتتاح این مسیر ارتباطی فاز نخست بوستان اشکانیه نیز به بهره‌برداری رسید. این بوستان در مجموع در زمینی به وسعت بیش از ۱۱ هزار و ۵۰۰ مترمربع طراحی شده که فاز نخست آن در مساحتی حدود

گزارش محبوبه میرزایی پندار